

قدم‌های تمدن‌ساز

راه‌پیمایی جهانی اربعین
چرا و چگونه ظرفیت تمدن‌سازی دارد؟

سرمقاله | صفحه ۲

• روایتی از نقش بی‌بدیل علما
در احیای سنت راهپیمایی
اربعین در سال ۱۳۵۵ ه.ش

صفحه ۳

• سیدالشهدا و اهل بیت او علیهم‌السلام فداکاری در میدان
و تبلیغ در خارج میدان را به ما آموختند | صفحه ۴

• دشمنان امام حسین علیه‌السلام سعادت دنیا و آخرت را
به بهای ناچیز فروختند | صفحه ۴

• فاصله بین عاشورا تا اربعین اوج مجاهدت همراه
با تبیین است | صفحه ۴



قدم‌های تمدن‌ساز

سرمقاله



برای مواجهه‌ی صحیح با پدیده‌ها، ابتدا باید ماهیت آن‌ها را شناخت. پدیده‌ی اربعین «یکی از حوادث بسیار برجسته‌ای است که خدای متعال ممت گذاشته بر ما و این حادثه را برای ما خلق کرده است.» (۱۳۹۶/۸/۱۵) ماهیت این نعمت الهی چیست؟ خدا چه نعمتی به امت اسلامی داده است؟ حضرت آیت‌الله خامنه‌ای ماهیت این نعمت را یک «معجزه» می‌داند: «حادثه‌ی اربعین... یک پدیده‌ی معجزه‌گون و معجزه‌آسا است.» (۱۴۰۱/۶/۲۶) خداوند وسیله‌ای «معجزه‌آسا»، به مانند عصای حضرت موسی علیه السلام، به امت اسلامی عنایت کرده است؛ لذا باید «این نعمت را قدر بدانیم، نعمت بزرگی است.» (۱۳۹۵/۹/۳۰) حال، امت اسلامی با این پدیده‌ی «معجزه‌آسا» چه کند و به دنبال چه هدفی باشد؟ پاسخ واضح است: همان هدف انبیا و اولیای الهی، یعنی «تمدن‌سازی». پیاده‌روی و حضور همگانی در مراسم اربعین بزرگ‌ترین فرصت پیش روی امت اسلامی برای رسیدن به این تمدن است. قدردانی این نعمت بزرگ، به استفاده از «ظرفیت‌های تمدنی» اربعین است. «اگر از این ظرفیت‌ها استفاده شود، امت اسلامی به اوج عزت خواهد رسید.» (۱۳۹۸/۶/۲۷)

■ تمدن‌سازی؛ فلسفه‌ی پیدایش اربعین

اربعین از آغاز برای یک ظرفیت جهانی پایه‌ریزی شد. «اربعین در حادثه‌ی کربلا یک شروع بود.» (۱۳۸۷/۱۱/۲۸) اولین گام، ایجاد یک اتحاد میان مؤمنان و گردآوری آنان در یک کنگره‌ی بزرگ بود. در آن زمان، «شیعه یک جمع متفرق بود... یک کنگره‌ی جهانی لازم بود برای شیعیان روزگار ائمه علیهم السلام. این کنگره‌ی جهانی را معین کردند، و قتش را هم معین کردند... آن موعده، روز اربعین است؛ و جای شرکت، سرزمین کربلا است.» (۱۳۵۲/۱۲/۲۴) ظرفیت اربعین مهم‌ترین ابزار مبارزه‌ی ائمه علیهم السلام برای رسیدن به اهداف بود. «هدف عمده‌ی آنها هم ایجاد جامعه‌ی اسلامی [بوده]؛ که ایجاد جامعه‌ی اسلامی بدون ایجاد حاکمیت اسلامی امکان‌پذیر نیست.» (۱۴۰۳/۲/۱۹) لذا «ائمه علیهم السلام، همه‌شان به مجتهدان به بار امانت امامت را تحویل می‌گرفتند، یکی از کارهایی که شروع می‌کردند یک مبارزه‌ی سیاسی بود، یک تلاش سیاسی بود برای گرفتن حکومت.» (۱۳۶۴/۱/۲۳) کاری که حضرت زینب علیها السلام کرد این بود که پدیده‌ی اربعین را به عنوان یک سلاح قوی برای مبارزه با دشمنان و تشکیل حکومت اسلامی به وجود آورد. در محیط اختناق آن زمان، مردم جرئت بروز حقایق را که فهمیده بودند نداشتند و این فهم مانند عقده‌ای در گلوئی مؤمنین باقی مانده بود. «این عقده روز اربعین اولین نشترا خورد؛ اولین جوشش در روز اربعین در کربلا اتفاق افتاد.» (۱۳۸۷/۱۱/۲۸)

■ ضرورت نگاه تمدنی امت اسلامی به اربعین

اکنون که پدیده‌ی «اربعین جهانی شد و جهانی تر هم خواهد شد» (۱۳۹۸/۶/۲۷)، فرصت استفاده از این ظرفیت تمدن‌ساز، بیش از پیش آماده است؛ لذا امت مسلمان باید از این معجزه برای رسیدن به هدف اصلی استفاده کند. «امروز هدف هر مسلمان باید ایجاد تمدن اسلامی نوین باشد؛... ایجاد تمدن عظیم اسلامی، هدف نهایی ما است.» (۱۳۹۸/۶/۲۷) پیدایش هر تمدنی نیاز به مکتب فکری دارد؛ «بدون مکتب و بدون ایدئولوژی نمیتوان یک تمدن را به وجود آورد. احتیاج به ایمان است.» (۱۳۹۱/۷/۲۳) اربعین یکی از ارکان مهم این مکتب است. چنین تمدنی دارای مؤلفه‌های مهمی

است... حرکت عظیم اربعین این پیام را در دنیای منتشر میکند.» (۱۳۹۸/۶/۲۷)

امروزه «در دنیای پیچیده‌ی پرتبلیغات و پُرهیاوهویی که بر بشریت حاکم است، این حرکت اربعین، یک فریاد رسا و یک رسانه‌ی بی‌همتا است.» (۱۳۹۸/۷/۲۱) زیرا «امروز با صدها وسیله علیه اسلام و علیه معارف اسلامی تبلیغ میشود؛ در مقابل این حرکت خصمانه‌ی جبهه‌ی کفر و استکبار، حرکت معرفت‌حسینی میتواند یک‌تنه سینه سپر کند، بایستد و حقیقت اسلام را، حقیقت قرآن را به دنیا معرفی کند.» (۱۳۹۸/۶/۲۷) این خصوصیت اربعین است؛ یعنی در اربعین افشاگری هم هست، عمل هم هست، تحقق هدف‌های آن افشاگری هم در اربعین وجود دارد.» (۱۳۸۷/۱۱/۲۸)

■ (ب) تقویت اتحاد تمدن‌ساز، میان امت اسلامی

وظیفه‌ی دیگر، اتحاد و برادری و اخوت میان مسلمانان است. در اربعین، «سعی کنیم در این راه‌پیمایی پیوندهای مستحکم بین برادران مسلمان را بیشتر کنیم.» (۱۳۹۸/۶/۲۷) اگر به ظرفیت تمدنی اربعین پی ببریم، درخواستیم یافت که اربعین «یک آیت عظمایی است که خدای متعال دارد نشان میدهد. در روزگاری که دشمنان اسلام و دشمنان امت اسلامی... علیه امت اسلامی دارند کار میکنند، خداوند متعال ناگهان حادثه‌ی راه‌پیمایی اربعین را این جور عظمت میدهد، این جور جلوه میدهد... این نشان میدهد که اراده‌ی خدای متعال بر نصرت امت اسلامی تعلق گرفته است.» (۱۳۹۸/۶/۲۷) حال، امت اسلامی باید از این ظرفیت به طور کامل استفاده کند. «اگر ظرفیت‌های کشورهای اسلامی... به هم برسند، این دست‌ها در هم گره بخورند، آن وقت امت اسلامی نشان خواهد داد که عزت الهی یعنی چه؛ تمدن عظیم اسلامی را به جوامع عالم نشان خواهند داد؛ باید هدف ما این باشد و این راه‌پیمایی اربعین میتواند یک وسیله‌ی گویایی برای تحقق این هدف باشد.» (۱۳۹۸/۶/۲۷) «غربی‌ها هم مجبورند تماشا کنند و نتوانند تحلیل کنند، نتوانند بفهمند و ضربه‌ی این حرکت را هم خواهند خورد.» (۱۳۹۷/۸/۱۲)

■ (ج) حفظ و ارتقاء معنویت

یکی از مهم‌ترین مظاهر تمدن اسلامی، معنویت دینی است. معنویت دینی بزرگ‌ترین مانع رشد تمدن سراسرمادی غرب است. در اربعین، «همه راه می‌افتند به سمت آن معدن و سرچشمه‌ی معنویت و آزادگی، و این را به رخ دنیای مادی امروز میکشند.» (۱۳۹۸/۷/۲۱) در حقیقت، اربعین مؤلفه‌ی معنویت را تقویت می‌کند؛ زیرا «راه‌پیمایی عظیم اربعین... یک پدیده‌ی معنوی است.» (۱۳۹۶/۸/۲۲) لذا مراسم اربعین را «هر چه میتوانیم، باید پربارتر و معنوی‌تر کنیم؛ معنا و مضمون این مراسم را باید روز به روز بیشتر کنیم؛ اهل فکر، اهل فرهنگ، اهل اقدام فرهنگی و فکری، برای این حرکت عظیم بنشینند برنامه‌ریزی کنند.» (۱۳۹۸/۶/۲۷) نکته مهم، این شور و شوق معنوی اربعین است؛ «این را باید نگه داشت، این آن چیزی است که ضامن بقای این کشور است.» (۱۳۹۵/۸/۲۶) ■ **پایان سرمقاله**

است. «این تمدن دارای علم خواهد بود، دارای صنعت هم خواهد بود، دارای پیشرفت هم خواهد بود؛ و این مکتب، هدایت‌کننده و اداره‌کننده‌ی همه‌ی اینها خواهد شد.» (۱۳۹۱/۷/۲۳) رفتار رژیم جنایت‌کار صهیونیستی در جنگ تحمیلی دوازده‌روزه نشان داد که جبهه‌ی استکبار با همین مؤلفه‌ها دشمنی دارد. این جنگ بار دیگر نشان داد «آنچه استکبار جهانی و در رأس آن، آمریکای جنایت‌کار با آن مخالف است، همین دین شما و دانش شما است؛ با دین شما مخالفند، با این ایمان گسترده‌ی مردم مخالفند.» (۱۴۰۴/۵/۷) طبیعتاً اربعین نیز به همین دلیل که مؤلفه‌های تمدن اسلامی را ایجاد و تقویت می‌کند، مورد دشمنی مستکبران قرار دارد. در گذشته نیز «این راه را دشمنان اسلام و دشمنان اهل بیت به خیال خود مسدود کرده بودند. [اما اکنون] ببینید چه حرکت عظیمی اتفاق افتاد!» (۱۳۹۳/۱۰/۱۹) با این توصیف، امت اسلامی باید نگاه خود به اربعین را از یک پیاده‌روی ساده‌ی معنوی به یک پدیده‌ی تمدن‌ساز تغییر دهد تا بتواند با این معجزه، فرعون زمانه را شکست دهد.

■ ابعاد تمدن‌ساز راه‌پیمایی اربعین

سؤال مهم اینکه امت اسلامی از این معجزه چگونه استفاده کند؟ مسلمانان چگونه می‌توانند پدیده‌ی اربعین را در راستای تمدن‌سازی به کار گیرند؟ در اینجا، به سه وظیفه‌ی مهم امت اسلامی می‌پردازیم.

■ (الف) تبدیل اربعین به رسانه‌ی افشاگر

اولین حرکت حضرت زینب علیها السلام اربعین را تبدیل به رسانه‌ی پُر قدرت عاشورا کرد. «رسانه‌ی حقیقی [یعنی] فریاد زینب کبری، فریاد حضرت سجاد... در آنجایی که ظلمات محض بود؛ اینها بزرگ‌ترین رسانه بود. همینها بود که عاشورا را نگه داشت، همینها بود که عاشورا را به امروز رساند.» (۱۳۹۸/۷/۲۱) بنابراین، فلسفه‌ی زیارت اربعین «فریاد» و «تبیین» است. لذا ما نیز «امروز احتیاج داریم که حسین بن علی را به دنیا بشناسانیم.» (۱۳۹۸/۶/۲۷) چه چیزی را بشناسانیم؟ منطق امام حسین علیه السلام را. «منطق حسین بن علی علیه السلام، منطق دفاع از حق است، منطق ایستادگی در مقابل ظلم و طغیان و گمراهی و استکبار

روایتی از نقش بی بدیل علمادرا حیات سنت راهپیمایی اربعین در سال ۱۳۵۵. ش

استاندار صدام، سبیلش را گرو گذاشت اما...

برخی صفحات تاریخ فقط روایت یک حادثه نیست؛ یک سند زنده است که از یک حقیقت بزرگ‌تری حکایت می‌کند. یکی از آنها روایت اربعین سال ۱۳۵۵ هجری شمسی است. قبل از اینکه راهپیمایی اربعین به یک آئین جمعی فراگیر تبدیل شود، سنتی قدیمی میان مردم عراق بود که می‌کوشیدند هر سال با شور و هیجانی مضاعف آن را برگزار کنند. این سنت سال به سال ادامه داشت، جز در سال‌هایی که صدام بر سر قدرت بود. صدام تلاش کرد این آئین جمعی را به خاموشی بکشاند، اما تبدیل به حماسه‌ای بزرگ شد که صدایش در تاریخ پیچید.

چند سالی از روی کار آمدن حزب بعث در عراق می‌گذشت و حکومت تلاش می‌کرد شور حسینی را کم‌رنگ کرده و مراسم‌های عزاداری را تا حد امکان محدود سازد. همچنین بر مباحث و شاعران فشار می‌آورد تا در ستایش حسن البکر و صدام اشعاری بسرایند و در مراسم‌ها از آنان یاد کنند. این ماجرا در محرم سال ۱۳۵۵ شدت گرفت. ماشین‌ها را تفتیش می‌کردند و هر وسیله‌ای که مربوط به هیئت‌های عزاداری بود، مانند علم، کتل، زنجیر و سیاهی، توقیف می‌کردند و می‌کوشیدند تا حد ممکن مانع برگزاری مراسم شوند. زمستان ۱۳۵۵، یعنی تنها دو سال مانده تا پیروزی انقلاب اسلامی، مردم عراق از فشارها و ممانعت‌ها برای برگزاری مراسم‌های محرم بسیار ناراحت بودند. اما آیت‌الله سید محمد باقر صدر، که از اصلی‌ترین رهبران شیعیان عراق در آن دوران بود، توانست مردم را قانع کند که اعتراضاتشان را در یک نقطه‌ی قانونی، یعنی راهپیمایی اربعین، متمرکز کنند. قرارها را برای ساعت ۱۱ روز ۱۵ بهمن ماه، یعنی پنج روز مانده به روز اربعین، تنظیم کردند تا از حرم امیرالمؤمنین علیه‌السلام در نجف راهپیمایی آغاز شود. البته مسیرهای راهپیمایی مانند همه‌ی راهپیمایی‌های اربعین از شهرهای دیگر هم شروع می‌شد.

از صبح روز پانزدهم، جمعیت به صورت پراکنده و غیرمحسوس به سمت حرم امیرالمؤمنین علیه‌السلام حرکت کرد. حدود ساعت ۱۱، تراکم جمعیت در حرم به

معاون رئیس‌جمهور بود اما حاکم اصلی به شمار می‌رفت، دستور داد هواپیماهای «میگ» بالای سر مردم پرواز کنند تا آنان را بترسانند. همچنین فرمان داد یک تیپ زرهی به سمت مردم حرکت کند. با حضور نیروهای مختلف نظامی، آتش به سمت مردم گشوده شد. عده‌ی زیادی از مردم، زنان و سالمندان به خاک و خون کشیده شدند. امام خمینی علیه‌السلام آن سال‌ها در نجف در تبعید بودند و حضور حاج آقا مصطفی خمینی در این راهپیمایی، تأییدی از سوی ایشان برای حرکت به شمار می‌رفت. حاج آقا مصطفی توانست از میان نخلستان‌ها خود را به کر بلا برساند و غروب روز اربعین، دیرتر از زمانی که پیش‌بینی می‌شد، در کر بلا دیده شد. خبر شهادت او در این فاصله به امام رسیده بود و مدتی طول کشید تا روشن شود که او سالم به کر بلا رسیده است.

این قیام در خاطره‌ی مردم به «انتفاضه‌ی صفر» یا «انتفاضه‌ی اربعین» معروف شد؛ قیامی که منجر به شهادت ده‌ها نفر از مردم گردید. بسیاری از علما بازداشت شدند. آیت‌الله سید محمد باقر حکیم به حبس ابد محکوم و به زندان ابو‌غریب منتقل شد. برخی از علما که توانستند از معرکه خارج شوند، به اعدام غیابی محکوم شدند؛ از جمله سید محمد حسین فضل‌الله، شیخ محمد مهدی آصفی و سید مرتضی عسکری که همگی از چهره‌های برجسته‌ی آن روزگار بودند. این کشتار و خفقان توانست تا پایان دوره‌ی حکومت صدام از برپایی راهپیمایی اربعین جلوگیری کند، اما نتوانست ریشه‌ی این حرکت را بخشکاند. بلافاصله پس از سقوط صدام در سال ۱۳۸۲، روزهایی که هنوز آمریکایی‌ها در عراق عملیات نظامی انجام می‌دادند و حکومت بعث به طور کامل از عراق خارج نشده بود، مردم راهپیمایی اربعین را آغاز کردند.

زائرهای از کنار ادوات نظامی منهدم‌شده، زیر پرواز بالگردهای آمریکایی که بالای سرشان پرصدا حرکت می‌کردند، عبور کردند. آنان پرچم‌های ضد آمریکایی در دست داشتند و علاوه بر لعن صدام و اعلام برائت از او، اشغالگران را نیز محکوم کردند. دیگرهای ندی از انبارها بیرون آمد و گلاب‌پاش‌ها به استقبال زنان چادری رفتند. جمعیتی نزدیک به دو میلیون نفر، با تصاویر شهدا در دست، به سمت حرم حرکت کردند و بین الحرمین را پر کردند. ثمره‌ی خون شهدای «انتفاضه‌ی صفر» باعث شد این مراسم هر سال پرشورتر از قبل برگزار شود تا امروز که شما شاهد این شور و شغف هستید.

حدود ۳۰ هزار نفر رسیده بود و راهپیمایی آغاز شد. رژیم بعث که غافلگیر شده بود، تلاش کرد تا حد امکان از حرکت این جمعیت به سمت کر بلا جلوگیری کند. حتی در مسیر، چند نفر هم به شهادت رسیدند. اما مردم با انرژی فراوان حرکت خود را ادامه دادند و شهادت چند نفر مانع این حرکت نشد. آیت‌الله سید محمد باقر صدر نماینده‌های خود را فرستاد تا با پشتیبانی از موکب‌های بین راه، این راهپیمایی به بهترین نحو برگزار شود و کسانی که آسیب دیده بودند درمان شوند. حکومت بعث که خود را در تنگنای مشروعیت و اقتدار می‌دید، سعی کرد با مذاکره مشکل را حل کند. استاندار وقت نجف، جاسم الرکابی، را نزد آیت‌الله صدر فرستاد و از ایشان خواست یک نماینده برای صحبت با مردم تعیین کند تا مردم شعارهای ضد حکومتی ندهند و اعلام کنند که حکومت بعث اجازه داده فقط شعارهای مذهبی داده شود. اگرچه به ظاهر حکومت عقب‌نشینی کرده بود؛ اما آیت‌الله صدر نمی‌توانست اعتماد کند. به جاسم الرکابی گفت: چه کسی تضمین می‌کند که نماینده‌ی من سالم برگردد؟ رکابی گفت: من خودم تضمین هستم و اگر اتفاقی افتاد، سبیل‌هایم را می‌تراشم. آیت‌الله صدر با شاگردانش به مشورت نشست. با توجه به اینکه آیت‌الله خوئی، که آن روزگار مرجع‌اعلی عراق بود، مصلحت دیده بود با برگزاری مراسم صرفاً با شور حسینی و بدون اعتراض به حکومت همراهی کند، قرار شد آیت‌الله سید محمد باقر حکیم به نمایندگی از آیت‌الله صدر با مردم صحبت کند. آیت‌الله صدر و آیت‌الله حکیم هر دو معتقد بودند که این یک فریب است. همان‌طور که پیش‌بینی می‌شد، بلافاصله بعد از حرکت آیت‌الله حکیم به سوی مردم، خود استاندار نجف او را بازداشت کرد و بدون محاکمه در دادگاه، حکم حبس ابد برایش صادر شد.

غروب آن روز باران شدیدی بارید که مانع از پیشروی نیروهای گارد جمهوری عراق شد، ولی مردم همچنان پیش می‌رفتند. از مسیرهای دیگر نیز مردم تا مُسَیَّب، سی کیلومتری کر بلا، رسیده بودند. صدام که در آن مقطع اگرچه



كَمْثَلِ الشَّيْطَانِ إِذْ قَالَ لِلْإِنْسَانِ اكْفُرْ فَلَمَّا كَفَرَ قَالَ إِنِّي بَرِيءٌ مِّنكَ إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ رَبَّ الْعَالَمِينَ | سوره حشر، آیه ۱۶

شیطان از انسان بی‌زار است

از آغاز آفرینش انسان، مرتب شیطان آمده پیش انسان گفته که کافر بشو. کافر بشو که چه؟ که به تو کمک کنم، که به تو دنیا بدهم، که به تو زور و زور بدهم. بعد انسان تحت تأثیر وسوسه‌ی شیطان قرار گرفته و کافر شده؛ بعد که کافر شده، آنچه شیطان به او وعده داده بود به او نداده. چه بود آن وعده؟ نجات و فلاح و آسایش. خبر معلوم است که شیطان نمی‌تواند اینها را بدهد؛ اینها را خدا فقط میتواند به انسان بدهد و اینها مال زندگی جاودانه‌ی ابدی است. به شیطان گفته که نامرد! تو که به من وعده دادی بیا بده، شیطان گفته: «إِنِّي بَرِيءٌ مِّنكَ؛ من از تو بی‌زارم». ۱۳۶۱/۵/۲۹۰ | بیانات حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در جلسه تفسیر سوره حشر

حدیث زندگی

فاصله بین عاشورا تا اربعین اوج مجاهدت همراه با تبیین است

این چهل روزی که از عاشورا تا اربعین اتفاق افتاده، یکی از مقاطع بسیار مهم تاریخ اسلام است. روز عاشورا در اوج اهمیت است و این چهل روزی هم که بین عاشورا و اربعین هست، تالی تلوروز عاشورا است. اگر روز عاشورا اوج مجاهدت همراه با فداکاری است، این چهل روز، اوج مجاهدت همراه با تبیین، همراه با افشاگری، همراه با توضیح [است]. اگر این چهل روز نمیبود، اگر حرکت عظیم زینب کبری (ع) و جناب ام‌کلثوم و حضرت سجاد (ع) نمیبود، شاید آن فقره‌ی «لَيْسَتْ بِنَدْبِ عِبَادِكَ مِنَ الْجَهَالَةِ وَ خَيْرَةُ الصَّلَاةِ» (۱) اتفاق نمی‌افتاد. این حرکت عظیم، این صبر فوق‌العاده‌ی خاندان پیغمبر به پیشوایی زینب کبری (ع) و امام سجاد (ع) بود که توانست حادثه‌ی کربلا را ماندگار کند و به معنای واقعی کلمه این تبیین مکمل آن فداکاری بود. ۱. بحار الانوار، علامه مجلسی، ج ۹۸، ص ۳۳۱

کلام امام، نقشه راه انقلاب



سیدالشهدا و اهل بیت او (ع) فداکاری در میدان و تبلیغ در خارج میدان را به ما آموختند

سیدالشهدا و اصحاب او و اهل بیت او آموختند تکلیف را: فداکاری در میدان، تبلیغ در خارج میدان. همان مقداری که فداکاری حضرت ارزش پیش خدای تبارک و تعالی دارد و در پیشبرد نهضت حسین (ع) کمک کرده است، خطبه‌های حضرت سجاد و حضرت زینب هم به همان مقدار یا قریب آن مقدار تأثیر داشته است. آنها به ما فهماندند که در مقابل جائر، در مقابل حکومت جور، نباید زنه‌ترسند و نباید مرده‌ترسند. در مقابل یزید، حضرت زینب (ع) ایستاد و آن را همچو تحقیر کرد که بنی امیه در عمرشان همچو تحقیری نشنیده بودند. ۱۳۶۱/۵/۲۵ | امام خمینی (ع)

خطبه‌های انقلاب

دشمنان امام حسین (ع) سعادت دنیا و آخرت را به بهای ناچیز فروختند

در یک فقره از زیارت اربعین، طرف مقابل امام حسین (ع) معرفی میشود. کسانی که فریب زندگی، آنها را به خود مشغول و دنیای مادی، زخارف دنیایی، شهوات و هواهای نفس، از خود بیخودشان کرده بود؛ «و باع حظّه بالارذل الأدنى»؛ سهمی را که خدای متعال برای هرانسانی در آفرینش عظیم خود قرار داده است - این سهم عبارت است از سعادت و خوشبختی دنیا و آخرت - به بهای پست و ناچیز و غیر قابل اعتنائی فروخته بودند. این، خلاصه نهضت حسینی است... در حقیقت، امام حسین (ع) اگرچه با یزید مبارزه میکند، اما مبارزه گسترده تاریخی وی با یزید کوتاه عمری ارزش نیست؛ بلکه با جهل و پستی و گمراهی و زبونی و ذلت انسان است. امام حسین با اینها مبارزه میکنند. ۱۳۷۹/۱/۲۶ | خطبه‌های نماز جمعه

منشور معنوی انقلاب



روز اربعین ۱۳۹۶ هـ
حومه دیرالزور

فرازی از وصیتنامه طلبه شهید مدافع حرم حجت الاسلام میرزا محمود تقی پور که در روز اربعین به شهادت رسید.

کارزینی (ع) کنید و پیام رسان شهدا باشید

کاری زینی (ع) کنید و پیام رسان شهدا باشید. هیچ وقت به حال شهید غصه نخورید چرا که شهید به بهترین سرنوشت رسیده است. حتی به حال خانواده و ایام شهید غصه نخورید چرا که شهید زنده است و در ثانی خداوند خیر الکفیل و خیر الوالی است و خودش خوب بلد است خانواده و ایام شهید را چطور مدیریت، حمایت و کفایت کند. حتی لباس سیاه نپوشید و عزاداری نکنید چرا که خوشبختی و سعادت يك فرد ناراحتی ندارد.

«سربر خاک دهکده»

انتشارات: شهید کاظمی
نویسنده: فائضه غفار حدادی
۱۶۸



اربعین اباعبدالله رسید. چند سال است که این ایام برای حسین‌چی‌های عالم معنای دیگری پیدا کرده. زائران در مشایه خودشان را به کربلا می‌رسانند و مشتاقان به زیارت امام حسین (ع) در هر مکانی که باشند سعی میکنند حداقل به آرزوی یکی از پنج علامت مومن که زیارت اباعبدالله در روز اربعین است را جامه عمل ببوشانند. نوای «حبیبی حسین» از «محمد الجنامی» در تلویزیون و قلب‌ها پلی می‌شود. اینجا هنوز عطش خواندن چیزی که حس و حال واقعی این سفر را داشته باشد، در جانت هست. مخصوصاً اگر هرگز این راه را نرفته باشی. باز آدم دنبال آن یک چیز قرص و محکم‌تری می‌گردد؛ چیزی ماندگار، که بی‌دغدغه ستمش دست دراز کنی و تفال وار صفحه‌ای باز کنی و همراهش شوی.

«سربر خاک دهکده» دقیقاً همان کتاب است. زبان شیرین و ساده‌اش، مثل دیگر کتاب‌های فائضه غفار حدادی، خواننده را از همان اول مجذوب می‌کند. طنز پنهانی که در سراسر متن جریان دارد، باعث می‌شود حتی سختی‌های مسیر و لحظات پردردسر، طعم شیرین پیدا کنند. مثل جایی که نویسنده می‌گوید: «عده‌ای می‌نشینند و ما آن وسط بدون اینکه دستانمان را به جایی گرفته باشیم، می‌ایستیم. مثل ماهی‌های ساردین توی کنسرو. کیپ کیپ.» این کتاب، روایت زائریت است که از هر لحظه‌اش می‌توان عطر خاک مقدس و مهر حسین (ع) را حس کرد. سفری که فقط یک راه رفتن نیست، بلکه رسیدن است؛ رسیدن به دهکده‌ای که شهرداری علمدار کربلاست و همه عاشقانش در کنار هم مثل اعضای یک خانواده بزرگ گرد هم آمده‌اند.

«پلاکاردهای عزاداری از همه جای جهان هستند. اینجا انگار میعادگاه شیعیان دنیاست که نیمه شبی شیرین و محزون به هم رسیده‌اند و از دیدن هم به وجد آمده‌اند.» این جمله گویا حال و هوای خاص این سفر را به تصویر می‌کشد؛ جایی که فاصله‌ها کم می‌شوند و دل‌ها به هم گره می‌خورند.

فائضه غفار حدادی با قلمی روان و بی‌تکلف، با همان صداقت همیشگی‌اش، ما را همراه خود می‌برد وسط آن جمع بی‌ظنیر عاشقان و از عمیق‌ترین احساساتش می‌گوید؛ از اضطراب پیش از سفر، لحظات دلهره و در نهایت رسیدن به همان خاکی که هر سال سر بر آن گذاشتن، جان را تازه می‌کند.